

**شیخ محمود شبستری**

شبستری، شیخ محمود بن عبدالکریم بن یحیی، عارف و شاعر نامدار آذربایجانی در قرن هشتم. درباره زندگی او اطلاعات اندکی در دست است.



شبستری، شیخ محمود بن عبدالکریم بن یحیی، عارف و شاعر نامدار آذربایجانی در قرن هشتم. درباره زندگی او اطلاعات اندکی در دست است. لقب او سعدالدین بود (رجوع کنید به سفینه تبریز، ص ۷۳۳؛ ابن کربلایی، ج ۲، ص ۸۸؛ قس حاجی خلیفه، ج ۲، ستون ۱۵۰۵، که گفته لقب او نجم‌الدین بوده است). ظاهراً در نیمه دوم قرن هفتم در شبستر به دنیا آمد (رجوع کنید به شیروانی، ص ۸۹؛ هدایت، ۱۳۴۴ش، ص ۲۲۱). برخی محققان متأخر (مشحون، ص ۱۲؛ زرین‌کوب، ص ۳۱۸)، در تعیین زمان دقیق ولادت شبستری، از روی تذکره‌هایی که وفات او را در ۷۲۰ و عمر وی را ۳۳ سال نوشته‌اند، به اشتباه، ولادت او را در ۶۸۷ دانسته‌اند.

در سعادت‌نامه منسوب به شبستری (۱۳۷۱ش، ص ۱۶۸) از فردی به نام امین‌الدین به عنوان استاد وی یاد شده است. لاهیجی (ص ۳۴) نیز منظور شبستری را از #171؛ مرد کار دیده & raquo؛ در ابتدای گلشن‌راز\*، امین‌الدین دانسته است. تنها صوفی‌ای که در آن دوره به این نام شناخته شده، امین‌الدین حاج بله\* است. به نوشته لویزن (ص ۲۱) شاید منظور از امین‌الدین، حاجی امین‌الدین عبدالسلام بن سهلان خنجی باشد.

شخصی به نام بهاء‌الدین یعقوب تبریزی را نیز از استادان او دانسته‌اند (ابن کربلایی، ج ۲، ص ۹۱؛ هدایت، ۱۳۴۴ش، ص ۲۲۱). از فردی به نام امین‌الدین به عنوان شاگرد شبستری و شارح گلشن‌راز یاد شده که زرین‌کوب (ص ۴۱۴) احتمال داده نام این فرد با نام استاد او خلط شده باشد.

گفته‌اند که شبستری به مصر، شام، حجاز، بغداد، یمن، اندلس و قفقاز سفر کرد (شبستری، مشحون، همانجا؛ دولت‌آبادی، ص ۱۵۲؛ قس براون، ص ۱۸۷، که می‌نویسد او همه عمر خود را در تبریز به سر برد). همچنین مؤلف ریاض‌السیاحه (ص ۹۰) نوشته که او به کرمان رفت و در همانجا ازدواج کرد و صاحب اولاد شد و برخی نوادگان او اهل علم‌اند و به خواجگان شهرت دارند (نیز رجوع کنید به دولت‌آبادی، همانجا؛ قس لویزن، ص ۱۲، که گفته شبستری فرزندی نداشته است). در سعادت‌نامه منسوب به شبستری (همان، ص ۱۵۰)، به سنی بودن وی و پیروی او در فروع از اشعری تصریح شده، اما ظاهراً هیچ منبع دیگری درباره مذهب شبستری سخن نگفته است. با وجود این، حاجی خلیفه (ج ۲، ستون ۱۶۴۹؛ و نیز آقا بزرگ طهرانی، ج ۱۸، ص ۲۲۶)، به استناد کتاب مرآت‌المحققین، که منسوب به شبستری است، نوشته که او شیعه است. هانری کورین (ص ۱۳۴) نیز علت پدید آمدن این نظر را وجود تفسیرهای متعدد شیعیان، به‌ویژه اسماعیلیان، بر گلشن‌راز وی دانسته است (نیز رجوع کنید به #171؛ بعضی از تأویلات گلشن‌راز & raquo؛ ص ۱۳۲-۱۶۱).

بیشتر تذکره‌نویسان درگذشت شبستری را بین ۷۱۸ و ۷۲۰ دانسته‌اند (برای نمونه رجوع کنید به رازی، همانجا؛ هدایت، ۱۳۸۲ش، ج ۴، ص ۹۹؛ دولت‌آبادی، ص ۱۵۳). از این میان، سال ۷۲۰ که روی سنگ قبر او هم نوشته شده، مشهورتر است. اما ابوالمجد تبریزی در پایان سفینه تبریز (همانجا)، حدیثی مسند از شبستری نقل کرده و پس از نام او عبارت #171؛ ادام‌الله ایامه & raquo؛ را به کار برده است. چون تاریخ این حدیث ۷۲۵ است، مسلماً شبستری تا آن تاریخ زنده بوده است. ابن کربلایی (همانجا)، که تاریخ وفات بهاء‌الدین یعقوب را در ۷۳۷ ضبط کرده، نوشته است که شبستری را، به وصیت خودش، پایین پای استادش دفن کردند. بر این اساس، شبستری تا ۷۳۷ زنده بوده است. ابن کربلایی (همان، ص ۹۱-۹۲)، بدون اشاره به تاریخ وفات شبستری، افزوده که بابا ابی شبستری، که در ۷۴۰ درگذشته و معاصر شیخ محمود شبستری بوده، در همان سال وفات شیخ محمود درگذشته است.

شبستری، به تصریح خودش (گلشن‌راز، همان، ص ۶۸)، قبل از سرودن گلشن‌رئالی نوشته بوده است، اما از آنها اطلاع دقیقی در دست نیست. به طور کلی، آثار وی را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: ۱) گلشن‌راز، که مسلماً از اوست (۲) آثاری که در صحت انتساب آنها به شبستری تردید وجود دارد و عبارت‌اند از: سعادت‌نامه، حق‌الیقین و مرآت‌المحققین (رجوع کنید به ادامه مقاله). ۳) آثاری که

قطعاً از او نیستند و عبارت‌اند از: مراتب‌العارفین، ترجمه منهاج‌العابدین غزالی، رساله شاهد، کنزالحقایق، انسان کامل، تفسیر سورة‌الفتاحه، رساله معراجیه، غایة‌الامکان فی معرفة الزمان و المكان، جام‌جهان نما، رساله احدیت، و شرح و تفسیر اسماء‌الله (رجوع کنید به هدایت، همانجا؛ زرین‌کوب، ص ۳۵۳؛ شبستری، همان، مقدمه موحد، ص ۱۱-۱۲).

ابن‌کربلایی (ج ۲، ص ۸۸)، هدایت (۱۳۴۴ش، ص ۲۲۱) و بغدادی (ج ۲، ستون ۴۰۷) سعادت‌نامه را جزو آثار شبستری ضبط کرده‌اند. این کتاب کلامی - عرفانی، به نظم و شامل چهار باب درباره معرفت ذات واجب‌الوجود و صفات و اسما و افعال اوست. شبستری سعادت‌نامه بسیار مغایر با شبستری گلشن‌راز است. سعادت‌نامه مبتنی بر نگاهی شریعت‌مدارانه به توحید است و در آن از منظر متکلمی متعصب به طرد و رد فرقه‌ها و مسالک منحرف پرداخته شده است (رجوع کنید به شبستری، همان، ص ۱۷۰-۱۷۲)؛ اما گلشن‌راز بر پایه ذوق و حال است. حتی اگر سعادت‌نامه از شبستری باشد، از بیت ۳۳۴ تا ۳۵۱ آن (شبستری، همان، ص ۱۶۸) الحاقی به نظر می‌رسد، زیرا این هجده بیت، که #171; و وصف‌الحال; شاعر است، با ابیات دیگر ابواب هیچ سنخیتی ندارد، و نیز اگر شاعر می‌خواست شرح حال خود را بدهد چرا به جای مقدمه کتاب، آن را در فصل دوم، که درباره توحید است، گنجانده؟ با توجه به اینکه شاعر در این هجده بیت به شاگردی خود در مکتب ابن‌عربی تصریح کرده است، اگر صحت انتساب سعادت‌نامه به شبستری محرز شود، معلوم می‌شود که او از مکتب ابن‌عربی متأثر بوده و از منظر این مکتب به سرودن گلشن‌راز پرداخته است.

ابن‌کربلایی، هدایت و بغدادی (همانجاها) حق‌الیقین را نیز از شبستری دانسته‌اند. این کتاب شامل هشت باب و درباره عرفان نظری است. با اینکه قدیم‌ترین نسخه‌های حق‌الیقین متعلق به قرن یازدهم است (شبستری، همان، مقدمه موحد، ص ۲۸۳؛ همو، ۱۳۸۰ش، مقدمه اشرف‌زاده، ص ۲۲-۲۳) و در ابتدا و انتهای کتاب، مؤلف به نام خود اشاره نکرده و تنها در ابتدای کتاب، کاتب، آن را از تصنیفات شبستری شمرده است (رجوع کنید به شبستری، ۱۳۸۱ش، مقدمه اشرف‌زاده، ص ۲۵، ۲۷)، اما زرین‌کوب (ص ۳۲۰) و لویزن (ص ۶۰) معتقدند که این اثر در صورت و محتوا شبیه گلشن‌راز است و نویسنده آن شبستری است.

حاجی خلیفه (ج ۲، ستون ۱۶۴۹) و نفیسی (ج ۱، ص ۱۷۰) مرآت‌المحققین را به شبستری نسبت داده‌اند. این کتاب مشتمل بر هفت باب و درباره معرفت نفس و خداست. مرآت را به ابن‌سینا، نجم‌الدین شیرازی، نصیرالدین طوسی و شیخ احمد جام نیز منسوب کرده‌اند (منزوی، ج ۶، ص ۲۲۹). افزون بر این، مؤلف نه در ابتدا و نه در انتهای کتاب، نام خود را ذکر نکرده و فقط کاتب، در پایان کتاب، آن را به شبستری نسبت داده است (رجوع کنید به شبستری، ۱۳۷۱ش، ص ۳۷۷). با وجود این، زرین‌کوب (همانجا) در صحت انتساب آن به شبستری اطمینان دارد (برای چاپهای متعدد این سه کتاب رجوع کنید به مشار، ج ۶، ستون ۵۵-۵۶؛ و نیز تهران ۱۳۶۵ش، ۱۳۸۰ش).

منابع :

آقابزرگ طهرانی؛ حافظ حسین ابن‌کربلایی، روضات الجنان و جنات‌الجنان، چاپ جعفر سلطان‌القزایی، تهران ۱۳۴۹ش؛ #171; بعضی از تأویلات گلشن‌راز؛ در ایران و یمن یعنی سه رساله اسماعیلی، چاپ هانری کربن، تهران ۱۳۴۰ش/۱۹۶۱؛ ادوارد براون، از سعدی تا جامی، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران ۱۳۵۷ش؛ اسماعیل‌پاشا بغدادی، هدیه‌العارفین من اسماء‌المؤلفین و آثار‌المصنفین من کشف‌الظنون، استانبول ۱۹۵۵؛ حاجی‌خلیفه؛ عزیز دولت‌آبادی، سخنوران آذربایجان، تبریز ۱۳۵۵ش؛ امین‌احمد رازی، هفت اقلیم، چاپ جواد فاضل، تهران: انتشارات علمی، [بی‌تا.]. [عبدالحسین زرین‌کوب، جستجو در تصوف، تهران ۱۳۵۷ش؛ سفینه تبریز، گردآوری و به خط ابوالمجد تبریزی، چاپ عکسی، تهران ۱۳۸۱ش؛ شیخ‌محمود شبستری، مجموعه آثار شیخ‌محمود شبستری، چاپ صمد موحد، تهران ۱۳۷۱ش؛ همو، حق‌الیقین فی معرفة رب‌العالمین، چاپ رضا اشرف‌زاده، تهران ۱۳۸۰ش؛ زین‌العابدین شیروانی، ریاض‌السیاحه، چاپ اصغر‌حامد ربانی، تهران [ ۱۳۳۹ش ]؛ هانری کربن، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه اسدالله مبشری، تهران ۱۳۶۱ش؛ شمس‌الدین محمد لاهیجی، مفاتیح‌الاعجاز فی شرح گلشن‌راز، چاپ محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران ۱۳۷۴ش؛ لئونارد لویزن، فراسوی ایمان و کفر، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران ۱۳۷۹ش؛ خانابا مشار، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، تهران ۱۳۴۴ش؛ حسن مشحون، شرح حال و نمونه آثار شیخ‌محمود شبستری، شیراز ۱۳۱۵ش؛ احمد منزوی، فهرستواره کتابهای فارسی، تهران ۱۳۸۱ش؛ سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، ج ۱، تهران ۱۳۴۴ش؛ رضاقلی‌خان هدایت، ریاض‌العارفین، چاپ مهرعلی گرکانی، تهران [۱۳۴۴ش]؛ همو، مجمع‌الفصحا، چاپ مظاهر مصفا، تهران ۱۳۸۲ش.